

مفهوم‌شناسی تحول اجتماعی و مؤلفه‌های آن از دیدگاه مقام معظم رهبری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

جواد نجفی کبوترکی *

چکیده

مفهوم تحول اجتماعی در اندیشه و دیدگاه اندیشمندان اجتماعی و جامعه‌شناسان، همانند سایر مفاهیم دارای اختلاف نظرهای فراوان می‌باشد، این اختلاف نظرها متأثر از عوامل نظری، ایدئولوژیکی و سطوح مختلف تحلیلی اندیشمندان است. لکن در بین عموم نظریات حوزه تغییرات اجتماعی، یک اتفاق نظر وجود دارد و آن نگرش مادیگرایانه به تاریخ و تحولات اجتماعی جوامع بشری می‌باشد. این پژوهش با روش اسنادی و کتابخانه‌ای، بیانات رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای را بررسی نموده و طبق یافته‌های پژوهش، دیدگاه ایشان در باب تحول اجتماعی، یک نگرش توحیدی به حوادث اجتماعی بر اساس سنت الهی تغییر می‌باشد. از دیدگاه رهبری تحول در دو سطح دورنی و برون‌ی صورت می‌پذیرد. تحول اجتماعی از دیدگاه ایشان به معنی مجموعه‌ای از تغییرات زیربنایی و روبنایی است که در جهت گستراندن ارزش‌های دینی در ساحت‌های مختلف اجتماعی به وقوع می‌پیوندد.

واژه‌های کلیدی: حضرت آیت الله خامنه‌ای، تحول، تحول اجتماعی، پیشرفت.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد دانش اجتماعی مسلمین، دانشگاه باقرالعلوم ع.

مقدمه

با وقوع انقلاب اسلامی تفکر دینی و توحیدی، پس از چندین قرن، به عرصه سیاست و فرهنگ بازگشت، بر همین اساس پایه‌های فکری تمدن مادی غرب به لرزه افتاده است در بسیاری از موارد متأثر از انقلاب اسلامی، معنویت به جوامع غربی بازگشت. بر همین اساس انقلاب اسلامی ایران یک تحول عظیم معرفتی در نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران بود و در انسجام بخشی به امت اسلامی عملکرد فعالانه داشته و دارد. این تمایز معرفتی بین نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و نظام سلطه و تمدن غرب، ایجاب می‌کند که در مفهوم‌شناسی از اسناد پیشرفت و الگوی تحول اجتماعی، به بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی رجوع نموده و مفهوم تحول اجتماعی را از دیدگاه ایشان بررسی نماییم. ضرورت این پژوهش بر اساس آنچه در ادامه ذکر خواهد شد، روشن می‌گردد؛ که برخی افراد تفهیم نادرستی از بیانات مقام معظم رهبری در موضوع تحول اجتماعی دارند، لذا هدف از انجام این پژوهش، پاسخگویی به سوال اصلی این تحقیق می‌باشد:

مفهوم تحول اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری دارای چه مؤلفه‌هایی است؟
قبل از تبیین نظریات اندیشمندان اجتماعی، و دیدگاه مقام معظم رهبری در موضوع تحول اجتماعی، لازم است مفهوم تحول اجتماعی را از منظر لغت‌شناسی و فرهنگ لغت علوم اجتماعی بررسی نماییم.

تحول اجتماعی (Social Evolution)

تحول در لغت نامه‌های فارسی به معنی برگشتن از حالی به حال دیگر، منقلب شدن، دگرگون شدن، و دگرگون شدن اوضاع می‌باشد. (عمید، ۳۲۹، ۱۳۸۹)

در جلد دوم از کتاب درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، ذیل عنوان تطور اجتماعی، تحول اجتماعی توضیح داده شده است: تحول اجتماعی به معنی « دگرگونی پدیده‌های اجتماعی است، بدون آن‌که در آن، جهش، گسست و یا هر نوع انقطاع در تسلسل پدیده‌ها رخ دهد»، می‌باشد. (ساروخانی، ۷۶۵، ۱۳۷۵)

همچنین در همین کتاب، در بخش دگرگونی اجتماعی، سخن از دگرگونی تطوری به میان آمده است که بیشترین تطابق را با تحول اجتماعی دارد، نویسنده بدینسان توضیح می‌دهند که: در برابر دگرگونی انقلابی (Revolutionary Changes)، دگرگونی تطوری به معنای حرکت تدریجی و مداوم پدیده‌ها، نهادها، و سازمان‌های اجتماعی به سوی جهتی خاص است. (همان)

برخی گفته‌اند تحول اجتماعی معنی دقیقی ندارد، بلکه مطابق با دگرگونی اجتماعی (Social Change) است، تحول به معنی صیوروت کل گروه یا جامعه می‌باشد، به گونه‌ای که تمام جلوه‌های تغییرپذیر، اعم از فرهنگ و جهان بینی دستخوش تغییر قرار می‌گیرند، تحول اجتماعی در اشکال طبیعی، برنامه ریزی شده، ارتجالی یا برانگیخته ممکن است صورت بگیرد، تحول اجتماعی با انقلاب و ترقی متمایز است. (بیرو، ترجمه ساروخانی، ۳۵۵، ۱۳۸۰)

تحول اجتماعی در اندیشه جامعه‌شناسان در ذیل حوزه تغییرات اجتماعی (دگرگونی) قرار می‌گیرد. طبق گفته برخی از اندیشمندان، علم جامعه‌شناسی، بر محور مطالعه تغییرات اجتماعی و انواع تفسیر و توجیه از تغییرات اجتماعی، به مکاتب گوناگون تقسیم شده است (روشه، ۶، ۱۳۷۰). البته این نگاه مربوط به زمانی است که جامعه‌شناسی حالت تاریخی به خود گرفته بود و مدام در تلاش برای فهمیدن مسیر تاریخی پیموده شده توسط انسان بود (جامعه‌شناسی پویا).

لازم به ذکر است که این رویکرد متأثر از تئوری‌های تکامل‌گرایان و افرادی مانند لامارک و داروین بود (همان، ص ۹) و در مقابل آن‌ها، کارکردگرایان نمود پیدا کردند

(همان، ص ۱۱)، که در مجموع هر کدام تفسیر و تعریف خاصی از تغییرات اجتماعی داشتند. اکنون به تعریف گی روشه، جامعه‌شناس فرانسوی از تغییر و تحول اجتماعی می‌پردازیم:

تغییر اجتماعی: «تغییر اجتماعی عبارت است از تغییری قابل رؤیت در طول زمان، به صورتی که موقتی و یا کم دوام نباشد، بر روی ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثر گذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون نماید» (همان، ص ۲۶).
تحول اجتماعی: مجموعه‌ای از تغییرات (در جامعه) است که در مدت زمانی طولانی توسط یک یا چند نسل رخ می‌دهد، و برخلاف تغییر اجتماعی، به راحتی قابل رؤیت برای هر فرد معمولی نمی‌باشد (همان، ص ۲۰).

پس بنابراین تحول اجتماعی به معنی مجموعه‌ای از تغییرات اجتماعی می‌باشد که در یک بازه زمانی طولانی مدت بین یک یا چندین نسل رخ می‌دهد (برهانی، ص ۵۲، ۱۳۸۸)

البته ذکر این نکته نیز ضرورت دارد که در تعریف این مفاهیم بین جامعه‌شناسان اختلاف نظر فراوان وجود دارد. دلیل آن در پیچیدگی و چند بعدی بودن موضوع «تغییر»، جهت‌گیری ایدئولوژیکی، تعلق پارادایمی، رویکرد نظری و سطح تحلیلی از جانب جامعه‌شناسان بوده است. (غفاری، ابراهیمی لویه، ص ۸-۹، ۱۳۹۱)

در ادامه به دیدگاه‌های نظری دانشمندان درباره تحول اجتماعی می‌پردازیم:

دیدگاه‌های نظری درباره تحول اجتماعی

قبل از ورود به ارائه نظرات اندیشمندان، لازم است در خصوص تحول اجتماعی دو نکته مهم تبیین شود:

نکته اول: چنانچه در مقدمه پژوهش اشاره شد، تعریف تحول اجتماعی همانند بسیاری از موضوعات علوم اجتماعی دیگر، محل اختلاف نظرهای فراوان است. لکن

همه جامعه‌شناسان بر این مسأله توافق دارند که (به تعبیر آگوست کنت) جامعه دارای دو حالت پویایی و ایستایی می‌باشد، و هر آنچه مربوط به ثبات، نظام‌های هنجاری، نظام قشربندی و شکل محقق فعلی جامعه است، در غالب تعریف ایستا از پدیده‌های اجتماعی قرار می‌گیرد، و هر آنچه مربوط به الگوی تغییر و تحول جامعه و یا چگونگی گذر جامعه از بین حوادث تاریخ است، در غالب جامعه‌شناسی پویا قرار می‌گیرد (غفاری، ابراهیمی‌لویه، ص ۳، ۱۳۹۱).

بنابراین در این که تغییر و تحول اجتماعی در ذیل مطالعات جامعه‌شناسی پویا قرار می‌گیرد، مورد توافق جامعه‌شناسان است، لکن برای فهم تغییر و تحول اجتماعی، لازم است نظم حاکم بر جامعه نیز مطالعه و بررسی شود، چون فهم هر یک از امور ایستا و پویا، به فهم دیگری گره خورده است. (همان، ص ۳، ۱۳۹۱).

نکته دوم: نظریه پردازان کلاسیک جامعه‌شناسی اغلب تحولات کلان جوامع بشری را مورد توجه قرار می‌دادند تا نسبت به تغییرات اجتماعی خرد جامعه‌ای خاص را. در دوره امثال آگوست کنت، کارل مارکس، امیل دورکیم، ماکس وبر و... کلیت جامعه بشری و بحث گذر و متحول شدن از دوره طولانی مدت، به دوره‌ای بسیار متفاوت مورد توجه قرار گرفته است (همان، ص ۱۲، ۱۳۹۱)، که این تحول اجتماعی، شامل مجموعه‌ای از تغییرات اجتماعی زیربنایی و روبنایی بوده است. لکن در دنیای مدرن، اغلب تغییرات اجتماعی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. با همین مقدمات به دیدگاه چند تن از متقدمین جامعه‌شناسی در خصوص تحولات و تطورات جوامع انسانی می‌پردازیم:

آگوست کنت

کنت علیرغم اینکه واضع جامعه‌شناسی می‌باشد، به علت نظریه تطور تاریخی او، به فیلسوف تاریخ نیز مشهور است. وی در نظریه خود، تاریخ تحولات جوامع بشری را به سه مرحله از تحولات عظیم در تاریخ زندگانی بشر تقسیم می‌نماید، البته کنت

این سه مرحله را در خصوص مراحل رشد اندیشه انسان مطرح می‌کند که به تبع آن، جهان بینی، سبک زندگی، و نظام سیاسی اجتماعی جوامع انسانی نیز متحول شده است. کنت معتقد بود انسان در مرحله اول اندیشه ربانی داشت و همه حوادث عالم را به الهه‌های گوناگون نسبت می‌داد، (برای مثال هنگام فوران آتشفشان، می‌گفت که الهه کوهستان عصبانی شده است)، در مرحله دوم اندیشه انسان رنگ و بوی فلسفی به خود گرفت و به دنبال تفسیر فلسفی از علل حوادث بود، و در نهایت در مرحله سوم که مرحله اثباتی و علمی نامیده می‌شود، انسان به مرحله اوج تکامل اندیشه خود رسیده است و برای سوالات خود پاسخ علمی و تجربی ارائه می‌دهد. (کوزر، ص ۲۹، ۱۳۹۵)

بنابراین از دیدگاه کنت عاملیت اندیشه بشری موجب گردیده است که تحولات بزرگ رقم بخورد. این نظریه از جهات مختلف مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. اما از این حیث که تحول اجتماعی را در جوامع بشری مورد ملاحظه قرار داده است، حائز اهمیت است.

کارل مارکس

در اندیشه مارکس، توجه به نظام اقتصادی جوامع نسبت به هر چیز دیگری، اولویت پیدا می‌کند. برخلاف کنت، مارکس معتقد است تغییرات و تحولات تاریخ بشریت، معلول اشکال مختلف مناسبات تولید در هر جامعه می‌باشد. وی چهار شیوه تولید را نام می‌برد که هرکدام نظام‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خاصی را در جوامع گوناگون رقم زده‌اند: شیوه تولید آسیاسی، باستانی، فئودالی و بورژوازی. از دیدگاه مارکس تضاد حاکم بر جامعه، موتور محرک تغییرات و تحولات جامعه خواهد بود، که به نوع خودش عامل پیدایش انقلاب‌ها و در نتیجه آن تغییرات و تحولات می‌گردد. (غفاری، ابراهیمی‌لویه، ص ۵۷ و ۵۸، ۱۳۹۱)

امیل دورکیم

دورکیم معتقد بود که بشریت با یک تحول بزرگ از جامعه سنتی ساده، به جامعه صنعتی پیچیده گذر کرده است. دورکیم وجه تمایز و تفاوت این دو دوره را در دو مساله خلاصه می‌کند؛ تقسیم کار و مدل هبستگی. « دورکیم تقسیم کار را عامل عمده تطور جامعه می‌داند. در اجتماعات اولیه شکل ساده‌ای از روابط اجتماعی وجود دارد زیرا تقسیم کار به مرحله پیچیده‌ای نرسیده، افراد بر اساس این نوع از همبستگی شکل می‌گیرد. اما در جامعه‌های صنعتی و پیشرفته اساس جامعه بر همبستگی ارگانیکی استوار بوده و به دلیل پیچیده بودن تقسیم کار، ساخت و تجانس اجتماعی نیز حالت پیچیده‌تری به خود می‌گیرد» (غفاری، ابراهیمی لویه، ص ۵۹، ۱۳۹۱). به عبارت دیگر پیدایش تخصص‌ها و شغل‌های جدید و متنوع در دنیای صنعتی، خواستار تاسیس سازمان‌ها و نهادهای گوناگون گردید و در نتیجه تحولات گسترده در ساحت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه بشری رقم خورد.

ماکس وبر

وبر نگاه متمایزی به تحولات جوامع بشری دارد، وی از رهگذر انواع کنش بشری، به تحولات جوامع می‌پردازد، یعنی از دیدگاه وبر انواع کنش انسان موجب ساخت انواع جوامع می‌گردد، او معتقد است که انسان ابتدایی، کنش سنتی و عاطفی از خود بروز می‌داد و جامعه او نیز ساده و بدون پیچیدگی بود، اما انسان مدرن کنش عقلانی از خود بروز می‌دهد و طبق برنامه ریزی برای توسعه، حسابرسی، سازماندهی، و بسط عقلانیت ابزاری، زمینه را برای تغییر و تحول آماده می‌کند (غفاری، ابراهیمی لویه، ص ۶۴، ۱۳۹۱). کما اینکه انسان غربی تحول یافته نسبت به انسان غربی قبل از رنسانس، طبق برنامه‌های توسعه در سطوح گوناگون، انسان مدرن را به وجود آورده است. البته مقصود ما از تحول در این بحث، صرفاً مجموعه‌ای از تغییرات زیربنایی است که جوامع جدیدی در همه ابعاد به وجود آورده است.

فرضیه‌های دوری

در حوزه تحولات اجتماعی، برخی از اندیشمندان نیز قائل به یک سیر دوری در تغییر و تحولات اجتماعی هستند. مانند استوارت چاپین جامعه‌شناس آمریکایی^۱ که معتقد است «قسمت‌های مختلف یک فرهنگ یا تأسیسات اجتماعی هر کدام به نوبه خودشان یک دور رشد و ترقی و انحطاط را طی می‌کنند، هرگاه دوره‌های قسمت‌های مهمتر و بزرگتر مانند دولت و خانواده با هم انطباق و هماهنگی داشته باشند، مجموعه فرهنگ رو به ترقی و تعالی خواهد نهاد و بر عکس هرگاه این قسمت‌ها طریق انحطاط بیمایند، مجموعه فرهنگ رو به انحطاط خواهد نهاد» (مساواتی آذر، ص ۱۲۳، ۱۳۷۲). همچنین نظریه پیتیریم سروکین^۲ که خودش آن را "فرضیه بازگشت متعدد" می‌نامد، معتقد است که تغییرات اجتماعی نخست به صورت مراحل متغیر و دوره‌های گوناگونی روی می‌دهد، و پس از طی این مراحل، ثبات و قوام می‌پذیرد. طبق این فرضیه؛ مدنیت برای مدت معینی یک سیر مستقیم دارد لکن در یک موقع بخصوص به مناسبت قوای داخلی و اتفاقی تغییر جهت می‌دهد، و داخل سیر نوینی می‌گردد. اما این سیر نوین نیز در نقطه‌ای متوقف می‌ماند و سیر تازه‌تری را پیش می‌گیرد، و پس از یک رشته از این سیرها و بازگشت‌ها، مسیر خود را تغییر می‌دهد و به مرحله نخستین باز می‌گردد، و بدین طریق دور خود را تکمیل می‌کند» (مساواتی آذر، ص ۱۲۴، ۱۳۷۲)، همچنین از دیگر دیدگاه‌های قابل ملاحظه در تحولات جوامع، نظریه تمدنی توین بی^۳ می‌باشد، توین بی معتقد است تمام تاریخ بشریت با تهاجم و تدافع جبری تمدن‌ها در برابر یکدیگر شکل گرفته است، بدین‌صورت که هرگاه فرهنگ، تمدن و جامعه‌ای شکل می‌گیرد، پس از گذر از دوران طلایی خود، رو به افول می‌رود و پیر می‌شود، و مورد تهاجم فرهنگ یا تمدن دیگری

1. F. Stuart Chapin.
2. Pitirim Alexandrovich Sorokin.
3. Arnold Joseph Toynbee.

نابود می‌شود، و تمدن جدید جایگزین آن می‌شود و سپس همین سیر را طی می‌کند (مساواتی آذر، ص ۱۲۹، ۱۳۷۲).

در نظریات دیگر اندیشمندان کلاسیک و متاخر در خصوص تحولات جوامع بشری، نظریات و فرضیه‌هایی مطرح شده است که از ذکر آن موارد خودداری می‌شود. لازم به ذکر است که برخی از نظریات مذکور در این پژوهش، ابطال شده‌اند و اکنون مورد توجه اندیشمندان اجتماعی نیستند، و این در حالی است که در جهان امروزه ما شاهد تغییرات ناشی از پیدایش فناوری‌ها و تکنولوژی‌های جدید هستیم که به روند اشاعه فرهنگ و فرهنگ‌پذیری و تغییرات رفتاری و هنجاری سرعت بالایی بخشیده است. با توجه به سرعت بالای این تغییرات، تحولات اجتماعی جوامع نیز سرعت چندین برابری نسبت به تحولات پیشین گرفته است. تا جایی که به اعتقاد برخی از اندیشمندان مانند نولان^۱، لنسکی^۲ و آگبورن^۳ تکنولوژی عاملیت اساسی در تغییر و تحول اجتماعی دارد. البته برخی دیگر بر عاملیت نخبگان و قهرمانان تاریخ، برخی بر عاملیت نژاد، و برخی بر عاملیت اقلیم جغرافیایی در تغییر و تحولات اجتماعی تاکید دارند (مساواتی آذر، ص ۱۲۹، ۱۳۷۲).

بدون شک تمامی این عوامل بدون تاثیر در تحولات اجتماعی تاریخ بشریت نبوده‌اند، اما آنچه لازم توجه است، عاملیت دین و مذهب در شکل‌گیری انقلابات و تحولات تاریخ است، چنانچه با وقوع انقلاب اسلامی در کمتر از نیم قرن، تحولات اجتماعی و فرهنگی عظیمی در جامعه ایران، و تغییرات ژئوپلیتیکی^۴ و فرهنگی در منطقه غرب آسیا و جهان اسلام حاصل شده است.

1. Patrick Nolan.
2. Gerhard Emmanuel Lenski.
3. William Fielding Ogburn.
4. Geopolitics.

تحول اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری

مفهوم‌شناسی تحول از دیدگاه مقام معظم رهبری

چنانچه ذکر شد، تحول اجتماعی در نگاه اندیشمندان اجتماعی به معنی مجموعه‌ای از تغییرات اندیشه‌ای و رفتاری انسان نسبت به محیط پیرامون است، به گونه‌ای که انسان مدام در ساحت‌های مادی، تغییر و تحول را تجربه می‌کند، اما تحول اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری فراتر از تحولات در ساحت‌های مادی انسان است، بلکه ایشان معتقد هستند تحول یکی از سنت‌های الهی است و خداوند اراده نموده است که انسان متحول شود، اما عزم خود انسان شرط اساسی برای حصول تحول است (۱۳۸۵/۸/۱۸). لذا از دیدگاه ایشان تحول در دو سطح صورت می‌گیرد: تحول درونی و تحول بیرونی. اکنون به بیانات و دیدگاه ایشان در این خصوص می‌پردازیم؛

تحول درونی در روح انسان به وجود می‌آید و همه پیامبران الهی و امام خمینی (ره) نیز، حرکتهای خودشان را از انقلاب روحی در افراد آغاز نمودند (۱۳۹۹/۰۳/۱۴) چون «تحول انسان اساس همه تحولات عالم است» (۱۳۸۰/۰۸/۲۱). در همین خصوص ایشان در نوروز سال ۱۳۷۷، می‌فرمایند که شرط نوشدن خودتان، تحول درونی است، برای این کار باید پیام انقلاب، پیام پیامبران و پیام امام بزرگوار و شهدا را در دل نهادینه کنید (۱۳۷۷/۰۱/۰۱). بر همین اساس در دعای تحویل سال نو نیز انسان مومن از خداود متعال، تحول درونی را درخواست می‌کند، و این تحول درونی مقدمه‌ای برای تحول اجتماعی مومنین خواهد شد.

تحول بیرونی: (امام خمینی ره و پیامبران پس از ایجاد تحول درونی افراد) سپس در سطح بیرونی و در سطح وسیع اجتماعی تحول‌آفرینی و اصلاح را رقم زدند (۱۳۹۹/۰۳/۱۴).

در حقیقت «تحول بیرونی» از نگاه ایشان به معنی پیشرفت در همه عرصه‌ها برای رسیدن به جامعه الهی است که انسان مومن در آن اجتماع تربیت خواهد شد، لکن لازمه این پیشرفت، تغییرات بنایی و زیر بنایی در همه حوزه‌ها و نهادهایی است که ایشان تاکید نموده‌اند، مانند تحول در نظام آموزشی کشور (حوزه و دانشگاه)، تحول در دولت، تحول اقتصادی، بازسازی انقلابی فرهنگی و رسانه و... مجموعه این تغییرات، به تدریج منجر به تشکیل نظامی اسلامی خواهد گردید که در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی حرکت خواهد کرد. به طور خلاصه روند رسیدن به تحول اجتماعی کلان از دیدگاه ایشان بدینصورت می‌باشد:

مجموعه تغییرات اجتماعی ← جامعه پیشرفته ← جامعه متحول (تمدن نوین اسلامی)

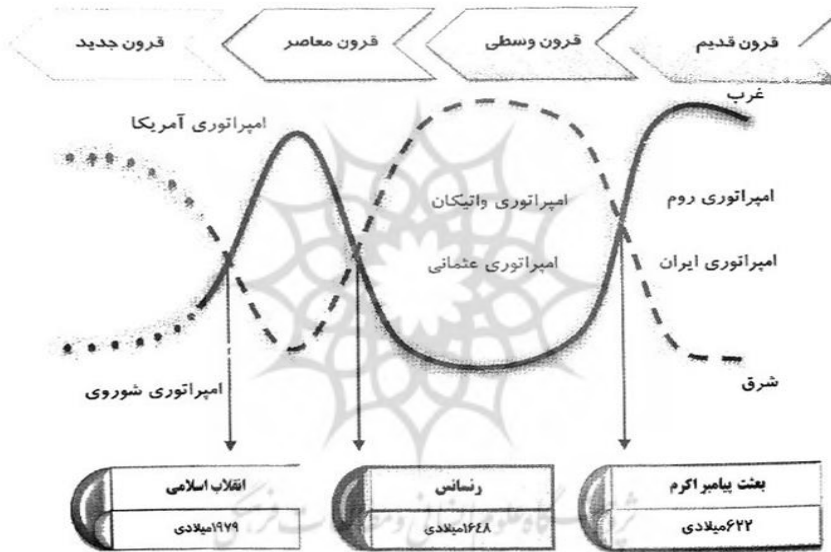
بنابراین برخلاف سایر نظریات، مفهوم تحول از دیدگاه مقام معظم رهبری بار ارزشی مثبت دارد، و هرگونه تغییر حالتی به معنی تحول نخواهد بود، و این دیدگاه مبتنی بر نگاه آرمان‌گرایی واقع بینانه است. چنانچه در حقیقت نیز انقلاب اسلامی توانسته است تمدن منحط غرب را به چالش بکشد و توجه انسان غربی خود بنیاد را به معنویت و خالق یکتا جلب نماید، و این همان مقدمه تحول عظیمی است که با انقلاب اسلامی آغاز شده است.

اسلام و تحول

با طلوع آفتاب اسلام در شبه جزیره عربستان، تاریخ بشریت بزرگترین تحول را به روی خود دید. شروع این تحول با انقلاب قلبی در میان جوانان آن عصر بودن، یکی از این جوانان، مصعب بن عمیر بود که با وجود داشتن جلال و جمال دوره جوانی، قلب خود را خانه محبت خدا و پیامبرش ساخت و در این راه به مقام شهادت رسید. تحول درونی جوانان آن عصر از اولین ثمرات اشاعه اسلام نبوی بود (۱۳۷۷/۹/۲۵). در همین خصوص مقام معظم رهبری می‌فرماید: «تغییر و تحول، یکی از بزرگ‌ترین اسرار حرکت

تکاملی انسان است که اسلام ما را به آن امر کرده و دستور داده است» (۱۳۷۳/۱/۱)،
 «اسلام آمد تا زندگی را متحوّل کند و راه بشر را تصحیح نماید» (۱۳۸۰/۰۳/۲۰).

منوچهر محمدی در کتاب دستاوردهای انقلاب اسلامی، بعثت نبی اکرم را اولین پیچ بزرگ تاریخ بشریت می‌داند که به دوران طولانی حکومت دو امپراتوری گسترده ایران باستان و یونان خاتمه داد (محمدی، ص ۱۷۰، ۱۳۹۲) تصویر زیر از کتاب مذکور استفاده شده است (صفحه ۱۷۱).



تاریخ تمدن اسلامی، دارای اوج و فرودهایی است که متأثر از عوامل درونی و برونی بوده است. یکی از دوره‌های طلایی تمدن اسلامی قرن ۴ هجری قمری همزمان که با قرن ۱۰ میلادی یعنی دوران تاریک قرون وسطی می‌باشد، یعنی وقتی مغرب در افول علمی بود، تمدن اسلامی توسط امثال ابن سینا در فلسفه و سایر اندیشمندان در علوم دیگر قله‌های علم و دانش را فتح می‌نمود (۱۳۸۳/۴/۱۷).

اسلام دین تحول آفرین است، چنانچه در طول ۱۴۰۰ سال بزرگ ترین تحولات بشریت را رقم زده است، لکن شرط تحول آفرینی اسلام، حضور مسلمانان واقعی در راس حکومت است، وگرنه در قبل انقلاب اسلامی نیز افرادی بودند که به امور عبادی فردی مشغول بودند و اینکه چه کسی بر آن‌ها حکومت می‌کند، برای آن‌ها اهمیتی نداشت، دشمن نیز از این اسلام و مسلمین باکی نداشت، اما همین زمانی که اسلام تبدیل به برنامه زندگی فردی و اجتماعی گشت، لرزه بر اندام دشمن انداخت و تحول آفرید (۱۳۸۲/۶/۲۶).

تحول و انقلاب اسلامی

تحلیل و بررسی انقلاب اسلامی از آن حیث که مبین ضعف نظریه‌های اجتماعی انقلاب‌ها و نظریات نوسازی بود، کاری دشوار است. چنانچه برخی از اندیشمندان و نظریه پردازان حوزه انقلاب‌های اجتماعی، با دیدن و یا مطالعه شکل‌گیری انقلاب اسلامی، نظریات خود را اصلاح کردند، اسکاچپیل و پیتیرگر از جمله این موارد هستند (یوسف‌زاده، ص ۱۴۵-۱۷۸).

در خصوص تحول بزرگی که توسط انقلاب اسلامی در شرق و غرب عالم ظهور نمود، مقام معظم رهبری بدین شکل بیان می‌نمایند که:

امروز تاریخ جهان، تاریخ بشریت، بر سر یک پیچ بزرگ تاریخی است. دوران جدیدی در همه‌ی عالم دارد آغاز میشود. نشانه‌ی بزرگ و واضح این دوران عبارت است از توجه به خدای متعال و استمداد از قدرت لایزال الهی و تکیه‌ی به وحی. بشریت از مکاتب و ایدئولوژیهای مادی عبور کرده است. امروز نه مارکسیسم جاذبه دارد، نه لیبرال‌دموکراسی غرب... امروز در میان امت اسلامی، بیشترین جاذبه متعلق است به اسلام، به قرآن، به مکتب وحی؛ که خدای متعال وعده داده است که مکتب الهی و وحی الهی و اسلام عزیز میتواند بشر را سعادت‌مند کند. این یک پدیده‌ی بسیار مبارک و بسیار مهم و پرمعنایی است (۱۳۹۰/۱۱/۱۰).

مقام معظم رهبری علاوه بر تحلیل‌های سیاسی و فرهنگی که از انقلاب اسلامی دارند، با یک نگاه برخاسته از کلام سیاسی نیز به انقلاب اسلامی می‌نگرند، در همین خصوص می‌فرمایند که: « این انقلاب یک معجزه‌ی الهی بود» (۱۳۸۷/۳/۱۴). حتی برخی از اندیشندان تحلیل‌های عرفانی از انقلابی اسلامی ارائه داده‌اند.^۱ یعنی این تحول بزرگ با این گستردگی، قطعاً مورد عنایت خداوند بوده است، چنانچه خداوند به کسانی که در راه احیاء دین تلاش نمایند، وعده نصرت و یاری داده است.^۲ نگاه معجزه‌نگرانه به انقلاب اسلامی در توجه به این تبیین ایشان از اوضاع کشور و جهان در ابتدای انقلاب اسلامی از دیدگاه غربی‌ها روشن‌تر می‌گردد:

در سال ۵۷ که انقلاب اسلامی در ایران به وجود آمد و آن غوغای عظیم را در دنیا به راه انداخت، یک عدّه از نخبگان درجه‌ی یک سیاسی غرب، مثل کیسینجر، مثل هانتینگتون، مثل ژوزف نای، این چهره‌های برجسته‌ی نخبه‌ی سیاسی آمریکا و اروپا، یک سلسله مقالاتی را... منتشر کردند؛ مضمون این مقالات و این نوشته‌ها هشدار به دستگاه سیاسی غرب، به نظام سیاسی غرب، دولت‌های غربی بود؛ به آنها هشدار می‌دادند، می‌گفتند، این انقلابی که در ایران اتفاق افتاده، به معنای تغییر یک هیئت حاکمه و جابجایی هیئت‌های حاکمه فقط نیست، این به معنای ظهور یک قدرت جدیدی است در منطقه‌ی به قول آن‌ها خاورمیانه- که بنده این تعبیر را به هیچ‌وجه دوست ندارم- و به قول ما در منطقه‌ی غرب آسیا؛ یک قدرت جدیدی دارد ظهور می‌کند که ممکن است از لحاظ تکنولوژی و علم به پای قدرت‌های غربی نرسد، اما از لحاظ نفوذ سیاسی و قدرت تصرف در فضای پیرامونی خود، از قدرتهای غربی یا بالاتر است یا هم‌وزن آن‌ها است و برای آن‌ها چالش ایجاد خواهد کرد. این را آن‌ها آن روز هشدار دادند، اعلام خطر کردند» (۱۳۹۲/۷/۱۷)

۱. لیلی عشقی در کتاب زمانی غیر از زمان‌ها (ترجمه احمد نقیب‌زاده) به این دیدگاه پرداخته‌اند.

۲. وَلَيُبْصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَبْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ، سوره حج (۲۲)، آیه ۴۰.

تحول، تحجر و روشنفکری (۱۳۸۶/۲/۲۵)

از دیدگاه مقام معظم رهبری در مسیر تحقق تحول، دو انحراف بزرگ وجود دارد. یک انحراف تحجر است، دوم انحراف روشنفکرناپی. در طول تاریخ معاصر، جوامع اسلامی علی الخصوص جامعه ایران هردوی این انحراف‌ها را به روی خود دیده است و در مواقع گوناگون ضربات سختی از جانب این دو انحراف متوجه امت اسلامی شده است.

متحجرین کسانی هستند که در برابر نوآوری‌ها و پیشرفت‌های مادی خصوصا مقاومت به خرج می‌دهند و به شدت مشکوک هستند، و در ترجمه احادیثی مانند: «شَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا» نگاه نادرستی را پیشه خود کرده‌اند، در حالی که تحول و نوآوری سنت تاریخ و سنت طبیعت است.

همان‌قدر که افراد متحجر در مقابل نوآوری و تحول مقاومت دارند، روشنفکران در برابر فرهنگ بیگانه آغوش باز دارند، چنانچه در تاریخ مشروطیت، اعدام شیخ فضل‌الله نوری و قتل ستارخان و باقرخان، و به روی کار آمدن رژیم غرب‌گرای پهلوی، این افراد شعار تحول و ترقی سر می‌دادند، این افراد با شعار توسعه و نوسازی، کشور را به قهقری بردند و موجب وابستگی و عقب‌مانگی کشور گشتند.

مقام معظم رهبری تاکید ویژه بر مفهوم شناسی صحیح از تحول دارند، ایشان تحول را یک امر ضروری می‌دانند، و می‌فرمایند که تحول فقط صحبت ایشان نیست، بلکه در دنیا هم وقتی درباره ما صحبت می‌کنند بحث تحول را مطرح می‌کنند، همچنین غرب‌گرایان داخلی نیز بحث تحول را پیش می‌کشند، لکن تحول از نظر آن‌ها یعنی نفی مبانی انقلاب اسلامی و نزدیک شدن به هنجارهای نظام سلطه است، اما تحول از نظر ما یعنی علیرغم حفظ خطوط اصلی انقلاب؛ به کارگیری شیوه‌ها و روش‌های نو در سبک حکمرانی در حوزه‌های گوناگون می‌باشد، لذا نوآوری و تغییر در شیوه‌های مدیریت امر ضروری برای رسیدن به تحولات بزرگ است (۱۴۰۰/۰۲/۲۱).

عوامل تحول و موانع آن

رهبر معظم انقلاب در دیدارهای مختلف با اقشار مختلف مردم بر عوامل و موانع پیشرفت و تحول اشاره نموده‌اند. ایشان در دیدار با دانشجویان در هفتم خرداد سال ۱۳۹۷ مجموعه‌ای از عوامل و موانع را بیان فرموده‌اند که در پایگاه اطلاع رسانی khamenei.ir تلخیص شده است.

پیشرفت حرکت انقلاب	
عوامل	وجود حکومت و نظام انقلابی
	فعال بودن قشرهای اثرگذار (دانشگاهی، حوزوی، دانشمندان، هنرمندان و...)
	حرکت نیروهای جوان
موانع درونی	عدم فهم درست مسائل کشور
	درست نشناختن محیط
	بی‌ارادگی
	تنبلی
	بی‌صبوری
موانع بیرونی	سرگرمی به چیزهای گمراه‌کننده (مثل اختلافات و حواشی)
	تزییق ناامیدی
	القای ناتوانی
	تبیین‌های دروغ
	تحریف حقایق تاریخی
	ایجاد موانع عملی (مثل تحریم و کارشکنی‌های گوناگون)
	پیروزی‌ها را شکست معرفی کردن
	ضعف‌های کوچک را بزرگ معرفی کردن
	ضعف‌های مدیریتی را منتسب به نظام کردن
	مردم سالاری جامع را دیکتاتوری معرفی کردن

تحول، جوانان و گام دوم انقلاب اسلامی (متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

مقام معظم رهبری در همان ابتدای بیانیه گام دوم به دوره تحولی جدیدی که با گام دوم انقلاب اسلامی آغاز شده است، اشاره می‌نمایند «انقلاب اسلامی... اینک وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. درودی از

اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانیِ چهل سال دوم می شود»

همچنین از ابعاد مختلف به نقش جوانان در تاریخ انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و همه پیشرفت‌های حاصل شده اشاره نموده و به نقش ویژه جوانان در پیشرفت در گام دوم انقلاب اسلامی می‌پردازند. ایشان به کرات جوانان را مخاطب خود قرار می‌دهند، و صریحاً برداشتن گام دوم را وظیفه جوانان می‌شمارند، تا جایی که جوانان را محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی معرفی می‌کنند که باید در تمام مقاطع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی، علم پژوهی؛ دین، اخلاق و معنویت و سبک زندگی نقش آفرینی نمایند و ضمن بهره‌گیری از تجربه بزرگان، با روحیه جهادی و انقلابی، ایران عزیز را به الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی در جهان تبدیل نمایند.

مقام معظم رهبری خیل عظیمی از جمعیت چند میلیونی تحصیل کرده جوانان را مهمترین ظرفیت امیدبخش کشور بیان نموده و همچنین در خصوص اجرای عدالت می‌فرمایند: «البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوانها است که در ادامه بدان خواهم پرداخت». ایشان همانند تاکیدات پیشین که داشته‌اند، تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی در گام دوم و رسیدن به تمدن نوین اسلامی را منوط به شناخت از گذشته و تجربیات گذشتگان کرده‌اند، می‌فرمایند:

عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه‌ی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران نمیتوان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کار آزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است، نزدیک کنید. برای برداشتن گامهای استوار در آینده، باید

گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهنان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمیتوان شنید (متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی).

شرایط و مؤلفه‌های اجتماعی تحول

از دیدگاه مقام معظم رهبری، در مسیر رسیدن به تحول، باید شروط و زمینه‌های متناسب با آن را حفظ یا ایجاد کنیم که در این نوشتار طبق بیانات معظم له به آن موارد اشاره می‌گردد:

ایمان و اراده انسانی

سردمداران طاغوت این چنین وانمود می‌کنند که احداث هرگونه تغییر و تحول در زندگی و سرنوشت بشر، بدست آنها انجام می‌گیرد، (هدف آنها از این گونه تبلیغات؛ به اسارت بردن اراده ملت‌ها است، تا نتوانند در برابر زورگویی‌ها و زیاده خواهی آنها قد علم کنند) حال آنکه تحولات بزرگ سیاسی و اجتماعی همیشه با اراده و تصمیم انسان‌ها با ایمان صورت گرفته است. چنانچه قرآن کریم بر این مطلب صحه می‌گذارد. «نیروهای اثرگذار در تحوّل سیاسی و اجتماعی انسان‌ها، عبارتند از: اراده‌ی انسانی، ایمان انسانی، تصمیم‌گیری، ایثار پیشروان و رهبران و خسته نشدن آنها است « لکن بسیار از ملت‌ها از این حقیقت غافل هستند و اختیار خود را به قدرت‌های استکباری می‌سپارند؛ لذا مستکبران عالم نیز از این فرصت در جهت مقاصد حیوانی، شهوانی و شخصی سوء استفاده می‌کنند (۱۳۷۹/۰۳/۱۴)

در بیانات امام خمینی (ره) نیز همواره بر لزوم بیداری ملت‌ها در برابر نظام استکباری تاکید شده است، ایشان در همین رابطه می‌فرمایند: « مستضعفین باید قیام

کنند، مستضعفین همه بلاد {و} همه ممالک باید حق خودشان را با مشت محکم بگیرند؛ منتظر نباشند که آن‌ها حق آن‌ها را بدهند، مستکبرین حق کسی را نخواهند داد. (صحیفه نور، ج ۱۱، صفحه ۲۵۶)

در آیات متعدد از قرآن کریم، به نقش اراده اقوام مستضعف در برابر مستکبران عالم اشاره شده است، خداوند متعال در آیات ۳۱ الی ۳۳ از سوره سبأ، استضعاف مستضعفین و ضعف اراده آن‌ها در برابر زورگویی مستکبران و بهانه‌جویی آن‌ها مردود شمره شده است.^۱

همچنین در خصوص نقش عاملیت اراده انسانی در تحولات اجتماعی، در آیه ۱۱ از سوره رعد «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» از دو تغییر صحبت می‌کند؛ تغییر از جانب خداوند- تغییر با اراده انسان، و تغییر از جانب خداوند متوقف بر تغییر از جانب انسان است. (علی مطر، ص ۲۶، ۱۴۰۹ق)

تحفظ بر آرمان‌ها و اصول اساسی

در روند ایجاد تغییراتی که منجر به تحول اجتماعی می‌گردد، هویت ملی، ثبات اجتماعی، اصالت‌ها و ریشه‌ها باید حفظ شوند (۱۳۸۵/۸/۱۸). و در عین حال «باید راه آزاد اندیشی و نوآوری و تحول را باز گذاشت، منتهی آن را مدیریت کرد تا به ساختار شکنی و شالوده شکنی و برهم زدن پایه‌های هویت ملی نینجامد» (همان). چون «اساس تحوّل باید بر «ملاحظه‌ی عناصر اصلی هویت ملی» قرار داده شود، که آرمان‌های اساسی و اصولی مهم‌ترین آنهاست» در کنار ثبات اجتماعی و حفظ هویت ملی، باید نشاط، پویایی و برخورداری از آزادی تحرك و روح رقابت را در جامعه ترویج کنیم، که این مسائل جز با انتقاد پذیری حاصل نخواهد شد. (همان)

۱. يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ (۳۱) قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ (۳۲).

حفظ شعائر الهی و تولید محتوای اسلامی

در تحکیم مبانی اسلامی در جامعه اسلامی و حرکت تحولی، تاکید مقام معظم رهبری بر عدم ریاکاری و امور بدون محتوا است، لذا در تقید به ادبیات دینی، باید ما بازاء عملی نیز تولید شود، لکن شعائر الهی که دستور دین بر تظاهر و حفظ آن‌هاست، نباید تضعیف شوند، «مطلقاً نباید نشانه‌های اسلامی را تضعیف کرد. {و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب}، (سوره مبارکه الحج آیه ۳۲) اصلاً بنای شعائر بر تظاهر و بر نشان دادن و بر مطرح کردن و جلو چشم نگهداشتن است. شعائر را مطلقاً نباید تضعیف کرد» (۱۳۸۴/۰۶/۰۸)

تحول در مدیریت

تغییر و تحول در مدیریت از دیگر ملزومات و زمینه‌هایی است که حرکت و پیشرفت جامعه اسلامی نیازمند آن است، لکن مقدمه تحول در مدیریت؛ تحول درونی در خود مدیران و مسئولان است؛ « تحول در مدیریت را چه کسی باید انجام دهد؟ خود ما باید انجام دهیم اولین گام در تحول این است که رفتار خودمان، کیفیت کارمان، عزل و نصب خودمان، اعمال مدیریت خودمان، جذبه‌ای که به خرج می‌دهیم، انعطافی که به خرج می‌دهیم، برخوردی که با طبقات مخاطب و مراجع به خودمان انجام می‌دهیم، اسلامی باشد» (همان).
پرهیز از تئوری‌های وارداتی

رهبر معظم انقلاب از دهه‌های گذشته، همواره دانشجویان و دانشگاهیان را نسبت به تئوری‌های وارداتی که هدفی جز تحول به سمت خواسته‌های نظام سلطه ندارند، هشدار داده‌اند (۱۳۷۹/۱۲/۹). بر همین اساس تاکید دارند که تحول باید بر اساس ایجاد یک الگوی مستقل ایرانی و برخاسته‌ی از معنویات و نیاز این کشور باشد؛ یعنی در واقع برخاسته‌ی از اسلام ناب و اسلام مورد اعتقاد ما باشد (۱۳۹۰/۲/۱۴). طراحی این مدل و الگو در اتاق‌های دربسته امکان‌پذیر نیست، بلکه باید از تمام افکار،

اندیشه‌ها و ایده‌ها استفاده نماییم تا مدل متناسب برای توسعه و پیشرفت کشور بازشناسی شود (۱۳۸۶/۰۲/۲۵).

قبل از انقلاب اسلامی، موجی به نام تجدد (و نظرات نوسازی و مدرنیزاسیون) وارد کشور شد، طرفداران تجدد، از آن با عنوان تحول یاد می‌کردند، حال آن تجدد تحول نبود، بلکه استحاله بود، استحاله ملت ایران از هویت ملی و تاریخی خود، «ملت ایران، هویت دینی خود، هویت ملی خود، هویت تاریخی عمیق خود را در این تجدد از دست داد. تجددی که [طی آن] در دوران پهلوی، هم یک مقداری به وسیله رضاخان، هم [به وسیله] پشتوانه‌ها و به اصطلاح روشنفکرهای غربزده و طلسم‌شده‌ی زمان رضاخان - که او را وادار می‌کردند، هدایت می‌کردند، کمک میکردند و توجیه می‌کردند کارهای او را - در واقع هویت ملت ایران سلب شد، یعنی [ملت ایران] از آن هویت واقعی خارج شد؛ این استحاله است، این تحول نیست. تحول باید رو به جلو باشد، این رو به عقب رفتن بود» (۱۳۹۹/۳/۱۴)

تنظیم سندهای راهبردی برای حوزه‌های مختلف

تاکید مقام معظم رهبری در خصوص تحول در حوزه‌های گوناگون بر مطالعه، شناخت و بررسی و در نهایت تنظیم سندهای تحولی در موضوعات گوناگون مانند خانواده، رسانه، آموزش و پرورش، مهندسی فرهنگی، و... است، لکن برای طراحی سندهای جامع، چنانچه ذکر شد، لازم است شناخت دقیق از وضعیت فعلی کشور، و وضعیت آینده و مطلوب کشور انجام گیرد، در همین خصوص ایشان می‌فرمایند: «برای تحول احتیاج دارد به این که ما... وضع کشور را بدانیم، نیازهای آینده را بدانیم. بر اساس اینها باید افراد صاحب فکر و به اصطلاح «راهبرندگان فرهنگی» به تعبیر رائج، استراتژیست‌های فرهنگی بنشینند و راه حل‌های اساسی پیدا کنند» (۱۳۹۰/۰۳/۲۳)

ایشان در بیان دیگری می‌فرمایند که در قرون طولانی، سرنوشت ملت ما در اختیار سلاطین بوده است، آن‌ها تعیین می‌کردند که آینده این ملت به کدام سمت و سو برود.

اما بعد از انقلاب اسلامی ملت ایران توانستند برای خودشان تصمیم بگیرند و چشم اندازی برای خودشان طراحی کنند، حقیقت این است که «تا چشم انداز را برای خود تعریف نکنیم، هیچ کار درستی صورت نخواهد گرفت» - همه‌اش روزمرگی است - بعد از آن که تعریف کردیم، اگر برنامه‌ریزی نکنیم، کار بی برنامه به سامان نخواهد رسید. بعد از آن که برنامه‌ریزی کردیم، اگر همت نکنیم، حرکت نکنیم، ذهن و عضلات و جسم خود را به تعب نیندازیم و راه نیفتیم، به مقصد نخواهیم رسید؛ اینها لازم است» (۱۳۸۳/۴/۱۷). ایشان جوانان را عامل تحقق سند چشم انداز معرفی می‌کنند و تاکید می‌فرمایند که جوانان باید سند چشم انداز خوب مطالعه کنند، چون کلمه به کلمه آن محاسبه و کارشناسی شده است (۱۳۸۳/۴/۱۷).

حفظ معماری بومی

معماری و ساختمان‌سازی، بخشی از نمود مادی فرهنگ هر جامعه می‌باشد، و علیرغم تاثیرپذیری از عوامل جغرافیایی، متأثر از باورها و عقاید سنتی و مذهبی نیز قرار می‌گیرد، کما اینکه در معماری محراب مساجد، رنگ آمیزی و کتیبه نگاری شاهد ظهور باورهای توحید معماران مسلمان هستیم. لذا در معماری جوامع غربی، فرهنگ‌های متناسب با فرهنگ آن جوامع بروز داده است، بر همین اساس، مقام معظم رهبری معتقد هستند، در روند تحولات اجتماعی، باید فرهنگ سبک معماری بومی و مذهبی حفظ شود.

از دیدگاه ایشان، یکی از لوازم حفظ هویت ملی (در نظام فرهنگی و اجتماعی) حفظ سبک معماری ایرانی اسلامی است، چنانچه برخی افراد در معنای نادرست تحول، به سبک معماری غربی علاقه مند شده‌اند، در همین خصوص ایشان این چنین بیان می‌دارند:

بعضیها در زمان جوانی ما - آن زمان که نهضت معماری غربی بر کشور ما تازه حاکم شده بود - می‌خواستند ساختمانهای قدیمی را خراب کنند و آنها را به

ساختمانهای با سبک نو تبدیل کنند. همین ساختمانهای با پنجره و شیشه‌های بزرگ از آن زمان شروع شد. بیشتر اینها خانه‌ی محکم قدیمی را خراب می‌کردند، که من تعجب می‌کردم. در مشهد ما این‌طور بود. یک خانه‌ی محکم و خوب، اما قدیمی - اتفاقاً حالا معمارها... می‌گویند برای کشور ما همان روش قدیمی درست است و این شیشه‌ها و پنجره‌های بزرگ و آفتابگیرهای آنچنانی، اروپایی است؛ چون آنها آفتاب را آرزو می‌برند و نمی‌بینند، ولی کشور ما کشور پُرافتاب است... بنابراین، چه لزومی دارد؛ همان پنجره‌های کوچک و درهای چوبی خوب بود - را خراب می‌کردند و از تیر آهن و سیمان و در آهنی و شیشه‌های بزرگ و... استفاده می‌کردند. اینها کار هجو و غلطی است؛ کار عاقلانه‌ای نیست. ما در تحولات بنیانی اساسی جامعه، ممکن است گاهی این‌طوری عمل کنیم؛ به جای اینکه بنیانها را حفظ کنیم و بر آنچه که نیاز داریم، پا فشاری کنیم و آنچه را که نداریم، برای خودمان فراهم کنیم، هویت مستقل ملی خودمان را فراموش کنیم! که متأسفانه این مسئله در کشور ما و خیلی از کشورهای اسلامی داستان و سرگذشت بسیار غمباری دارد (۱۳۸۵/۸/۱۸).

تشکیل دولت جوان مومن انقلابی

یکی از تاکیدات بسیار مهم مقام معظم رهبری در خصوص پیشبرد امور و حرکت به سمت تحول، تشکیل دولت جوان مومن انقلابی می‌باشد. ایشان در تبیین این مساله می‌فرمایند:

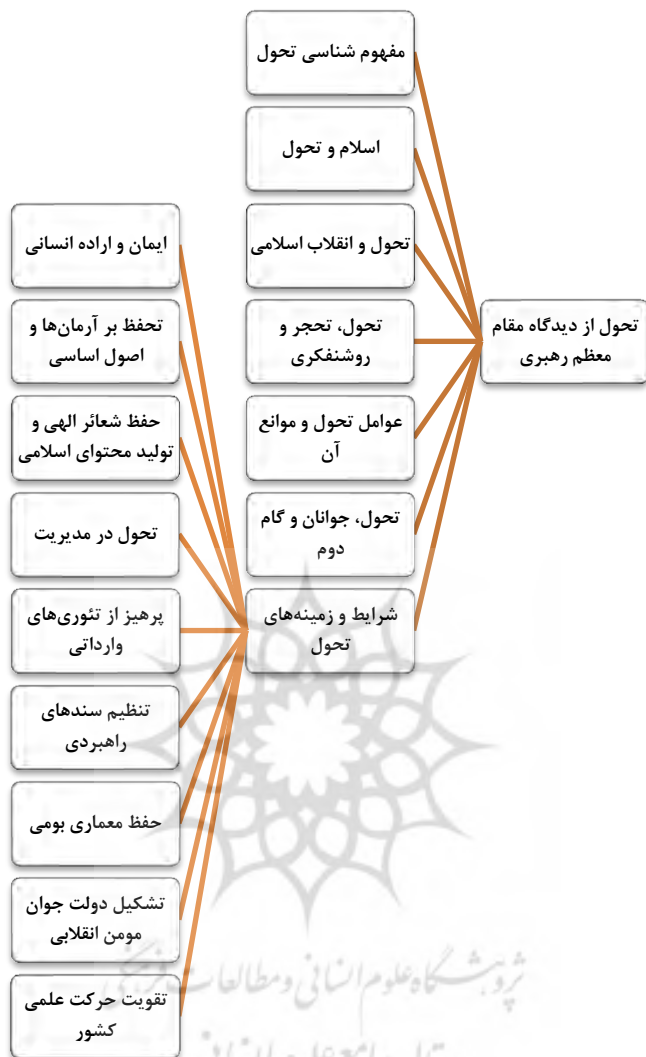
راه ایجاد تحوّل عبارت است از تشکیل یک دولت معتقد به تحوّل و معتقد به عنصر تحوّل‌آفرین، یعنی عنصر جوان نخبه‌ی مؤمن انقلابی؛ یعنی شرطش این است که مؤمن باشد و انقلابی باشد؛ وّالا اگر جوان بود با همان خصوصیات جرئت و توانایی و ابتکار، لکن ایمان در او وجود نداشت، خب فایده‌ای ندارد؛ آن جوان با همان نیرو، راه غلط را خیلی سریع‌تر و تندتر از پیرها و سالخورده‌ها خواهد رفت؛ اگر با ایمان نباشد فایده‌ای ندارد؛ اگر انقلابی نباشد، کشور را به سمت یک حرکت تحوّل‌ی درست هدایت نخواهد

کرد؛ پس بایستی، هم جوان باشد، هم مؤمن باشد، هم انقلابی باشد؛ یعنی این عناصر بایستی در مجموعه‌ی دولت جمع باشد. پس بنابراین، هم تحوّل لازم است، هم تحوّل ممکن است، هم شرطش حضور یک دولتی است که معتقد به جوان‌ها باشد و جوان‌ها را به کار بگیرد و این کار انجام خواهد گرفت (۱۴۰۰/۲/۲۱).

بنابراین تشکیل دولتی که متشکل از نیروهای جوان، مومن و انقلابی باشد، از شرایط اساسی برای تحول‌آفرینی است، چون نیروی جوان بالذات تحول‌خواه است، لکن تکیه جوانان به مجربین نیز مورد تاکید مقام معظم رهبری می‌باشد.

تقویت حرکت علمی کشور

در قرن بیستم که قرن انقلاب‌ها و تحولات اجتماعی و سیاسی بود (۱۳۸۰/۱۰/۱۹). (انقلاب اسلامی نیز رخ داد) و لاجرم یکی از ملزومات تحول، دانش‌اندوزی است که اسلام ما را بدان امر فرموده است (۱۳۸۳/۰۴/۱۷). بر همین اساس لازم است در مسیر پیشرفت علمی کشور که مقدمه ضروری برای تحول بومی است، صورت بگیرد و این امر مستلزم حمایت همه‌جانبه از دانشجو و دانشگاه است.



تحول اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری.

نتیجه‌گیری

این تحقیق پس از بررسی آراء اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی در باب «تحول اجتماعی»، در جهت تبیین و مفهوم‌شناسی از "تحول اجتماعی" از دیدگاه مقام معظم رهبری صورت گرفت، طبق یافته‌های پژوهش، تحول از دیدگاه ایشان به مجموعه‌ای از تغییرات اجتماعی گفته می‌شود که در نهایت به تشکیل جامعه اسلامی ختم می‌گردد، لکن دو انحراف فکری در مسیر حرکت جامعه به سمت جامعه متحول وجود دارد، انحراف اول مربوط به تفکر متحجرین است، و انحراف دیگر مربوط به تفکر روشنفکری افرادی که پیشرفت را در مسیر وادادگی به سیاست و فرهنگ غربی می‌بینند. مساله دیگر اعتقاد بر سنت الهی تغییر است که چندین بار در آیات قران کریم اشاره شده است، طبق بیان آیات شریفه، لازمه تغییر و تحول اراده انسانی است، بنابراین اگر هرگونه سستی و کم‌کاری در بین مؤمنین ایجاد شود، تغییرات و تحولات در مسیر انحرافات اجتماعی قرار خواهد گرفت. یکی از ضرورت‌های ضمنی تحول، حفظ اصول و آرمان‌ها می‌باشد. فرهنگ، سیاست، خانواده، اقتصاد، آموزش و پرورش، رسانه و فضای مجازی و... عرصه‌هایی هستند که باید در سیاست‌گذاری بر اینها، اصول و آرمان‌ها در ابعاد گوناگون، حفظ شوند، برای مثال یکی از مهمترین اصول انقلاب اسلامی، حفظ استقلال کشور می‌باشد، استقلال اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، فضای مجازی از ضروری‌ترین مسائلی هستند که باید در ضمن تحول‌آفرینی، محفوظ گردند.

فهرست منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم

۱. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم: باقر ساروخانی، چاپ چهارم، تهران، کیهان، ۱۳۸۰.
۲. برهانی، محمد جواد، نقش اسلام در دگرگونی اجتماعی (با تأکید بر افغانستان معاصر)، چاپ اول، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸.
۳. (آیت الله) خامنه‌ای، سید علی، سخنرانی.
۴. روشه، گی، تغییرات اجتماعی، مترجم: منصور وثوقی، چاپ سوم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۰.
۵. ساروخانی، باقر، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، جلد ۲، چاپ سوم، تهران، کیهان، ۱۳۷۵.
۶. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، تهران، انتشارات راه رشد، ۱۳۸۹.
۷. کوزر، لوییس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علمی، ۱۳۹۵.
۸. متن بیانیه گام دوم انقلاب
۹. مساواتی‌آذر، مجید، دیدگاه‌های جامعه‌شناسی درباره تغییرات اجتماعی، نشر مؤلف، ۱۳۷۲.
۱۰. محمدی، منوچهر، دستاوردهای کلان انقلاب اسلامی، نشر معارف، قم، ۱۳۹۲.

منابع عربی

۱۱. علی مطر، سیف الاسلام، التغير الاجتماعی، چاپ دوم، قاهره، دار الوفاء، ۱۴۰۹ق.

مقالات

۱۲. یوسف‌زاده، حسن، نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۱.